

Analysis of the Document of the Iranian Islamic Model of Progress from an Economic Perspective with a Hedging Approach in the Passive Defense System

Mohammad Nemati*

Received: 24/06/2020

Yaser Soleymani**

Accepted: 30/08/2020

Mohammad Reza kaeni ***

Saeed Fooladi****

Abstract

The main issue of this article is to analyze and critique the economic measures of the document of the basic model of progress from the perspective of economic defense and to provide alternative and complementary solutions to achieve the goals of economic defense in the document of the Iranian model of progress. Therefore, at first, with a descriptive-analytical method with a critical approach, using expert criticisms on the general measures of the basic document, the economic measures have been studied and analyzed that will not provide the country's economy with protection from internal and external threats. After proposing these measures and using the criticisms related to it, alternative or complementary proposals for achieving the goals of economic defense have been presented, presented and analyzed within the time frame of the Iranian Islamic model document. Finally, the proposed measures have been adapted to the main components governing a resistance economy. Findings of the article indicate that most of the measures of the model document do not provide a policy solution in various economic areas. Also, by not considering the vulnerabilities of the country's economy in the long run, they will not provide grounds for economic protection. Therefore, by reforming this group of measures, the goals and policies of the economic governance system have been achieved within the time frame of the Iranian Islamic model document, and by using the main components of the general policies of the resistance economy over the proposed measures, the country's economy is in crisis. Internal and external threats.

Keywords

Model Measures, Economic Hedging, Economic Defense, Economic Cooperation, General Policies of Resistance Economy.

* Assistant Professor, Faculty of Islamic Education and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran nematy@isu.ac.ir

** Director of Defense Economics Department, Tadbir Economic Security Research Center (Corresponding Author) y.soleymani@tiesr.ir

*** Deputy Minister of Education and Research of Passive Defense Organization kaeni8@gmail.com

**** Master student of Islamic education and economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, s.fooladi313@gmail.com

تحلیل و بررسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اقتصادی با رویکرد مصون سازی در منظومه دفاع غیر عامل

محمد نعمتی^۱، یاسر سلیمانی^۲، محمدرضا کابینی^۳، سعید فولادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹

چکیده

مسئله اصلی مقاله حاضر، تحلیل و نقد تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه پیشرفت از منظر پدافند اقتصادی و ارائه راهکارهای جایگزین و مکمل برای تحقق اهداف پدافند اقتصادی در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. از این رو، در ابتدا با روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد انتقادی به بهره‌گیری از نقدهای کارشناسی ناظر بر کلیات تدابیر سند پایه الگو، به بررسی و تحلیل آن دسته از تدابیر اقتصادی پرداخته شده است که زمینه مصونیت بخشی اقتصاد کشور را از تهدیدهای داخلی و خارجی فراهم نخواهد کرد. بعد از طرح این تدابیر و استفاده از نقدهای ناظر بر آن، پیشنهادهای جایگزین یا مکمل برای تحقق اهداف پدافند اقتصادی در چهارچوب زمانی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ارائه و تحلیل شده است. در نهایت، تدابیر پیشنهادی با مؤلفه‌های اصلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی تطبیق داده شده است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که بیشتر تدابیر سند الگو فاقد ارائه راهکار سیاستی در حوزه‌های مختلف اقتصادی است. همچنین با در نظر گرفتن نقاط آسیب پذیر اقتصاد کشور در بلندمدت، زمینه‌های مصون سازی اقتصادی کشور را فراهم نخواهند کرد. از این رو، سعی شده است با اصلاح این دسته از تدابیر، به اهداف و سیاست‌های نظام حکمرانی اقتصادی در چهارچوب زمانی سند الگوی اسلامی - ایرانی دست یافت و با استفاده از حاکم بودن مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر تدابیر پیشنهادی، اقتصاد کشور را از بحران‌های داخلی و تهدیدهای خارجی مصونیت بخشید.

واژگان کلیدی

تدابیر الگو، مصون سازی اقتصادی، پدافند اقتصادی، حکمرانی اقتصادی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

طبقه بندی: D53, E52.

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام nematy@isu.ac.ir
۲. مدیر گروه اقتصاد دفاعی، مرکز پژوهشی امنیت اقتصادی تدبیر (نویسنده مسئول) y.soleymani@tiesr.ir
۳. معاون آموزش و پژوهشی سازمان پدافند غیر عامل kaeni8@gmail.com
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام s.fooladi313@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی با باور ارائه راهی نو در مسیر حیات اجتماعی ایرانیان پا به عرصه وجود گذاشت و با همه فراز و نشیب‌های چهل‌ساله گذشته و با شعار نه شرقی و نه غربی ادامه حیات داده است. در این مسیر، به‌رغم دشمنی‌های وحشتناک و کینه‌توزانه‌ای بی‌نظیر دشمنان به موفقیت‌های نسبی هم نائل آمده است، اما مسیر طی شده نسبت به آنچه مطلوب است در حد بسیار کم ارزیابی می‌شود. ادامه این مسیر مقدس و رسیدن به مرحله دولت اسلامی که خود زمینه تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی است بدون وجود الگویی برای اداره و تمثیت امور کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، برنامه‌ریزی برای تهیه چنین نقشه‌ای، امید به تداوم انقلاب اسلامی را زنده‌تر و دشمنان آن را مأیوس‌تر خواهد کرد. یکی از ملاحظات اساسی در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هر کشور، توجهات امنیتی-دفاعی در عرصه‌های مختلف پیشرفت آن کشور است. سند پایه الگو به‌عنوان برنامه بلندمدت پیشرفت کشور باید این ملاحظه اساسی را که بدون آن دسترسی به اهداف سند دچار مشکل خواهد شد، رعایت کرده باشد. پدافند غیرعامل به‌عنوان رویکردی که در این حوزه مطرح می‌شود براساس سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی این‌گونه تعریف می‌شود: «مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌شود».

بررسی سند الگوی پایه از حیث پدافند غیرعامل، نگاهی است که براساس آن مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در تعریف بالا، باید در کل سند رعایت شده باشد، به‌طوری‌که اجرای این سند آسیب‌پذیری کشور را در مقابل تهدیدهای دشمن کاهش دهد و موجب تقویت مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران شود. متأسفانه در سال‌های اخیر عرصه اقتصاد به‌عنوان یکی از عرصه‌های مهم پیشرفت کشور، مورد هجوم و تحریم‌های ظالمانه قرار گرفته است. با توجه به همین موضوع، این حوزه بیش از سایر حوزه‌ها نیازمند وجود رویکردی پدافندی در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است. اقتصاد به‌عنوان یکی از حوزه‌های مهم علوم انسانی و رکن مهم سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیازمند درک صحیحی

از آن است. تحقق تعریف پدافند اقتصادی در حوزه اقتصادی نیازمند درک صحیحی از علم اقتصاد به‌عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی است. انقلاب اسلامی که داعیه هدایت و راهبری انسان‌های آزاد جهان را به سمت سعادت حقیقی دارد، باید بتواند تعریفی دقیق از مبانی و اهداف علوم انسانی حقیقی ارائه دهد. اقتصاد اسلامی به‌عنوان تعریفی از شاخه‌ای از علوم انسانی مبین این نکته خواهد بود. پدافند اقتصادی باید از اهداف اقتصاد اسلامی به‌عنوان یگانه راه سعادت انسان‌ها در تعاملات اقتصادی حفاظت کند.

بنابراین، در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به همراه رویکرد انتقادی به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر تحلیل تدابیر اقتصادی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر پدافند اقتصادی پرداخته شود. به‌عبارت‌دیگر، سعی بر آن است موضوعات اقتصادی این سند از حیث ملاحظات دفاعی - امنیتی با برش پدافند غیرعاملی مورد بررسی و نقد قرار گیرد تا به مجموعه تدابیری دست‌یافت که اقتصاد کشور را در برابر موانع و تهدیدهای درونی و بیرونی حفظ کند.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که تدابیر الگوی اسلامی را از منظر پدافند اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند اندک هستند. پژوهش‌های موجود را می‌توان به دودسته نقد و بررسی کلیات تدابیر و بررسی موضوعی تدابیر از منظر اقتصادی تقسیم کرد، اما تحلیل و بررسی آنها از منظر پدافند اقتصادی که در این مقاله انجام شده است، موضوعی بدیع به‌شمار می‌آید.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی تحت عنوان ارزیابی سند پایه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸) به تحلیل و بررسی سند پایه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پرداخته است. در این گزارش، به عدم رابطه شفاف و مشخص بین مبانی و تدابیر الگو یا به‌عبارت‌دیگر، فقدان پیوند خطی میان مبانی و تدابیر، اشاره می‌شود. در این گزارش آمده است: «تلقی نویسنده/نویسندگان سند الگو از این برداشت‌ها این بوده که رابطه‌ای شفاف، مشخص و بدون ابهام از این ارتباط بین مبادی با نظام تدابیر در هر مکتب وجود دارد، درحالی‌که رابطه مبادی و مبانی علوم با خود علوم نه از نوع رابطه‌ای خطی و مکانیکی، بلکه بسیار

پیچیده و غامض است. اینکه وجود و ذهن‌های ما در علوم اجتماعی تدابیر و نظریات متفاوت در یک موضوع اتخاذ می‌کنند به راحتی و با توسل به جزوه اصول عقاید تبیین نمی‌شود چراکه در همان دنیای مدرن الگوی مارکس با الگوی اسمیت متفاوت متزاحم و حتی متعارض است، الگوی کینز با الگوی هایک به همین شکل و... است». براساس این نقد نمی‌توان انتظار داشت راهکارهایی برای تحقق مبانی یادشده به ذهن متبادر شود و تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت، اقدامات عملیاتی در جهت مصون‌سازی اقتصاد کشور از تهدیدهای خارجی و داخلی برگرفته از مبانی انسان‌شناسی اسلامی نیز ارائه دهند. بنابراین، مجموعه تدابیر اقتصادی از بخش مبانی الگو مجزا فرض می‌شود و فارغ از آن، از منظر سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل، موردنقد و بررسی قرار می‌گیرد.

همچنین دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها در حوزه مفاهیم پدافندی و امنیت قرار می‌گیرند و بیشتر جنبه سیاسی به خود دارند؛ به‌طور مثال حاجی ناصری و کرد (حاجی ناصری و کرد، ۱۳۹۶، ص. ۱۰) با تشریح الگوی توسعه نئولیبرالیسمی در ایران با تأکید بر جنبه سیاسی آن، بیان می‌کنند: «امنیت اقتصادی تضمین‌کننده حقوق شهروندی و به‌خصوص حقوق اقتصادی اجتماعی شهروندان است و این نیز منوط به کسب و انتخاب الگوی توسعه متعادل است که توأمان به عدالت و پیشرفت توجه داشته باشد». برزگر (برزگر، ۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان امنیت هویت پایه و عدالت پایه به نحوه تجمیع مفاهیم امنیت و عدالت در اندیشه اسلامی می‌پردازد، اما همان‌طور که بیان شد، هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین رویکرد نوآورانه و بدیع این پژوهش مبنی بر تحلیل و بررسی پدافندی تدابیر اقتصادی الگوی پایه را مدنظر قرار نداده‌اند.

بنابراین، در ادامه پژوهش سعی شده است به تشریح رویکرد نوآورانه پژوهش پرداخته شود. برای این موضوع در ابتدا با بهره‌گیری از انتقادهای کلی به تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه، به بازنویسی تدابیر اقتصادی پرداخته خواهد شد که تضمین‌کننده تحقق مفاهیم پدافند اقتصادی از قبیل مصون‌سازی اقتصادی در پنجاه سال آینده کشور باشد.

۲. نقدهای ناظر بر اصل تدابیر

علاوه بر نبود پیوند خطی میان مبانی و تدابیر که در بخش پیشینه مقاله بیان شد، از نقدهای ناظر به کلیات تدابیر، کج فهمی، درک ناقص و غیرکاربردی از معنای تدبیر است. تدابیر طبق سند الگوی پایه به معنای «تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق است.»^۱ از این تعریف برمی آید که مجموعه تدابیر موجود در سند الگوی پایه باید برای دستیابی به افق سند، نقشه‌ای عملیاتی ارائه دهند و صرفاً به بیان اهداف و سیاست‌های کلی اکتفا نکنند. حال آنکه در برخی از تدابیر سند الگوی پایه به جای ارائه تدبیر مناسب، صرفاً بر ضرورت چاره‌اندیشی تأکید شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸، ص. ۷).

بخش افق سند الگوی پایه ضمن بیان اهداف اقتصادی مانند دارا بودن یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا برای کشور در افق ۱۴۴۴، حوزه‌های مصون‌سازی اقتصاد از تهدیدهای خارجی و داخلی را نیز بیان می‌کند. حال آنکه تدابیر موجود در سند الگوی پایه متناسب با افق طراحی نشده‌اند و راهکارهایی برای دستیابی اهداف سند الگوی پایه پیشنهاد نمی‌دهند؛ برای مثال، اگر به تدبیر ۲۰ که تعیین‌کننده اثرگذاری قواعد اسلامی در سیاست‌های مالی و اقتصادی است، نگریسته شود به کلی‌گویی این تدبیر پی برده می‌شود و هرگز نمی‌تواند حتی در زمینه یادشده اقتصادی راهگشا باشد چه برسد به آنکه قابلیت نقد و بررسی اهداف پدافندی را داشته باشد.

این در حالی است که تفاوت الگوهای پیشرفت، بیش از آنکه در اهداف باشد در برداشت آنها از اهداف و روش‌های تحقق اهداف است. به بیان دیگر، امروز حتی الگوهایی که در اروپا یا شرق آسیا پیاده می‌شود، در خصوص بخش زیادی از اهداف انسانی و عدالت‌خواهانه با ما اشتراک نظر دارند (و البته، در پاره‌ای موارد اختلاف دارند)، مسئله آن است که آیا ما می‌خواهیم از همان روش به اهداف برسیم یا الگوی ارزشی و بومی خود را داریم؟ بخش‌های زیادی از تدابیر مندرج در سند الگو، چیزی نیست جز بیان هدف و

1. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40693>.

قله؛ نه مسیر رسیدن به قله (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰) و در اینجاست که جایگاه علوم انسانی به‌خوبی احساس می‌شود.

یکی دیگر از نقدهای موجود در تدوین تدابیر اقتصادی موجود در سند الگوی پایه، استفاده اندک از تجربه‌های پیشین سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان کشور است. بررسی برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اقتصادی برنامه از جامعیت و دقت بالایی نسبت به برخی از تدابیر اقتصادی سند الگوی پایه برخوردار است، به‌طوری‌که در بیشتر آنها مفاهیم پدافندی در حوزه اقتصادی به‌خوبی در نظر گرفته شده است و در نتیجه، برای حل بحران‌های پیش روی اقتصاد کشور می‌توان از آنها کمک گرفت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸، ص. ۱۸).

متأسفانه با وجود این تجربه، در سند ۵۰ ساله کشور از این سیاست‌ها سخنی به میان نیامده است و علاوه بر آن، آسیب‌پذیری اقتصاد کشور بعد از اجرای این سیاست‌ها نیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفته است؛ به‌طور مثال، تدبیر ۲۴ مبنی بر استقلال بودجه دولت از درآمدهای نفتی بارها مورد تأکید برنامه‌های پنج‌ساله و سیاست‌های کلی مانند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی قرار گرفته، در صورتی‌که در تدوین تدبیر ۲۴ آسیب‌شناسی برنامه‌های قبلی لحاظ نشده است. توجه به این نکته ضروری است که یک سند آینده‌نگار باید پس از آسیب‌شناسی روندهای گذشته، توصیه‌هایی را برای مسیرهای آتی ارائه نماید که بن‌بست‌های پیشین باقی نماند و بر سر الگوی پایه نیز همان نیاید که بر سر برخی اسناد بالادستی گذشته آمده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸، ص. ۲۲).

وجود خلأهای حیاتی در سند پایه الگوی پیشرفت را می‌توان به‌عنوان آخرین نقد از تدابیر نام برد؛ به‌طور مثال، می‌توان از خلأهای زیر نام برد که وجود هر کدام، پیشرفت هر کشور را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. متأسفانه در سند پایه الگو، سیاست‌هایی برای برطرف کردن این خلأها دیده نشده است:

- «رفع فقر و نابرابری‌های ناروا و انحصارها.
- قراردادهای بازار کار و سهم‌بری عادلانه عوامل تولید.
- الگوی تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی؛

- توجه به بحران بدهی های دولت.
- نحوه پیوندهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۸).

۳. بازنویسی تدابیر اقتصادی با رویکرد پدافند اقتصادی

اقتصاد کشور در افق ۱۴۴۴ سند الگوی پایه این‌گونه توصیف شده است: «... از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی، برخوردار و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیاست. تا آن زمان، سلامت محیط‌زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده؛ کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است. فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر تأمین شده است».

با توجه به اهداف اقتصادی ترسیم شده در افق پنجاه‌ساله آینده کشور، همچنین ضمن در نظر گرفتن تجربه سیاست‌های کلی نظام در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، در ادامه سعی شده است تدابیری پیشنهاد شود که به تصمیمات و اقدامات اساسی پیش‌روی اقتصاد کشور برای تأمین امنیت خود در برابر انواع تهدیدهای خارجی و داخلی منجر شود و علاوه بر پیشرفت اقتصادی کشور مصون‌سازی آن را در برابر انواع تهدیدها به‌دنبال داشته باشد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی دارای چند رویکرد اصلی است، به طوری که این رویکردها روح حاکم بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تشکیل داده‌اند و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی آینده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

رویکردها و مؤلفه‌های اصلی مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی برای تحقق اهداف اقتصادی کشور در ابعاد مختلف اقتصادی عبارت‌اند از:

دانش‌بنیان بودن، مدیریت جهادی، مردمی بودن، انعطاف‌پذیری در برابر شوک‌ها و تهدیدهای خارجی، برون‌نگر، درون‌زا، پیشرو، فرصت‌ساز و مولد.

از این رو، با توجه به نقدهای مطرح شده در قسمت قبل و با در نظر گرفتن افق سند و اسناد بالادستی نظام و رویکردهای حاکم بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی، به نقد و اصلاح تدابیر سند الگوی پایه پرداخته می‌شود. تدبیر ۲۰ یا همان «التزام به رعایت اصول و قواعد اسلامی در غایت و ساختار تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و نهادسازی‌های اقتصادی و مالی» به علت کلی‌گویی و آنچه در قسمت «کج‌فهمی، درک ناقص و غیرکاربردی از معنای تدبیر» بیان شد، حذف می‌شود. به این دلیل که رعایت کلی اصول و قواعد اسلامی در غایات و تصمیمات و همچنین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران موضوعی بدیهی است. آنچه مهم بوده، نحوه اثرگذاری این اصول در حوزه‌های مختلف است که ذیل هریک از تدابیر اقتصادی محقق می‌شود.

در تدبیر ۲۱ بیان شده است: «تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله‌های جمع درآمد خالص خانوار از طریق ایجاد نظام یکپارچه مالیات‌ستانی، تأمین اجتماعی و ارائه تسهیلات مالی با بهره‌گیری از سامانه جامع اطلاعاتی ملی». تحقق عدالت مالیاتی به‌عنوان یکی از خواسته‌های مردم از حکومت موجب کاهش اختلاف طبقاتی در جامعه می‌شود، به‌طوری‌که با تحقق آن یکی از دلایل عمده نارضایتی‌های اجتماعی از بین می‌رود و در مقابل، به سرمایه‌های اجتماعی نظام افزوده خواهد شد. اجرای تدبیر ۲۱ آسیب‌پذیری کشور را در زمینه یادشده کاهش می‌دهد، اما به‌عنوان یک تدبیر چگونگی دستیابی به این هدف را به‌طور جامع بیان نمی‌کند. همچنین پیشنهادهایی برای دستیابی کارکردهای مهم نظام مالیاتی ارائه نکرده است تا آسیب‌پذیری اقتصادی کشور در مقابل تحریم‌ها کاهش یابد.

در متون مالیه عمومی برای مالیات‌ها سه کارکرد «درآمدی»، «اجتماعی» و «مدیریت اقتصادی» با درجه اهمیت متفاوت متصور است (اکبری افروزی و اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۷، ص ۱). مالیات‌ها در هر کشوری به‌عنوان بهای خدمات دولت در زمینه‌های از جمله: ایجاد رفاه اجتماعی، برقراری امنیت پایدار، خدمات آموزش و پرورش، بهداشت و درمان صرف می‌شود. بنابراین، مالیات یکی از ابزارهای مؤثر تصمیم‌گیری و مدیریت در

سیاست‌های مالی دولت است که موجب تغییر و تحول در متغیرهای کلان اقتصادی به سمت تعادل اقتصادی می‌شود (ایزدخواستی، ۱۳۹۶، ص. ۱).

از طرفی فرار مالیاتی به‌عنوان مثالی از فساد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی دولت و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی را کاهش می‌دهد. سطح بالای فساد اقتصادی می‌تواند ناکارآمدی سیاست‌های دولت را به دنبال داشته باشد (شاداب‌فر و شاداب‌فر، ۱۳۹۶، ص. ۵). کارکرد دیگر مالیات عرصه اجتماعی است که در آن دولت به‌منظور کاهش شکاف طبقاتی و افزایش عدالت اجتماعی از ابزارهای مالیاتی استفاده می‌کند. برخورد یکسان با تمام کسانی که توانایی پرداخت یکسانی دارند (عدالت افقی) و برخورد مالیاتی متفاوت با دارندگان درآمدهای متفاوت (عدالت عمودی) از مهم‌ترین سیاست‌های مالیاتی در عرصه اجتماعی و باز توزیع درآمد به‌شمار می‌آید (جعفری صمیمی و لعل خضری، ۱۳۹۵، ص. ۳۲).

نظام مالیاتی ایران به دلایل مختلف از جمله وفور درآمدهای نفتی در برهه‌های مختلف، متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی کشور توسعه‌نیافته و با نواقص زیادی روبه‌رو بوده است؛ برای مثال، یکی از این نواقص، نرخ پایین مالیات بر ارزش‌افزوده در ایران است. نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده در سال‌های ابتدایی در سطحی پایین و معادل ۳ درصد وضع شد که این نرخ طی سال‌های برنامه پنجم توسعه، به‌صورت تدریجی به ۹ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش یافت و تاکنون تغییری نکرده است. این موضوع در حالی است که بررسی نرخ‌های مالیات بر ارزش‌افزوده در سال ۲۰۱۷ در سایر کشورها مجری، حاکی از وجود نرخ‌های بالاتری در این کشورهاست. میانگین نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۱/۳ درصد، در کشورهای عضو OECD، ۲۰ درصد و در کشورهای آسیایی ۱۳ درصد است. این نرخ در کشورهایی مانند روسیه، گرجستان و ترکیه، ۱۸ درصد است (اکبری افروزی و اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۷، ص ۷). با توجه به بیم اعمال تحریم‌های مجدد بر درآمدهای نفتی ایران، برای کاهش آسیب‌پذیری کشور افزایش درآمد ناشی از مالیات‌ها موضوعی ضروری است، به‌گونه‌ای که ضرورت تحول در نظام مالیاتی، اهمیت دوچندانی می‌یابد. از این رو، با در نظر گرفتن کارکردها و اثرگذاری مالیات‌ها، ساختار مالیاتی کشور نیازمند تحول مثبت در آن و افزایش پوشش مالیاتی است.

بنابراین، برای اتخاذ تصمیمات بهتر در نظام مالیاتی، تدابیری مورد نیاز است که سه کارکرد آن را بهبود بخشند و چتر مالیاتی کشور را گسترش دهند. بنابراین، موارد زیر برای تغییر و تحول نظام مالیاتی کشور مطرح می‌شود:

- کاهش اختلاف طبقاتی و نارضایتی اجتماعی با اصلاح ساختاری مالیات‌ها.
- جلوگیری از فرار مالیاتی و گسترش چتر مالیاتی کشور.
- کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی با افزایش درآمدهای مالیاتی.
- گسترش پایه‌های مالیاتی.
- ارتقای تمکین مالیاتی.
- اصلاحات حوزه مالیات بر ارزش افزوده.
- اصلاح نرخ مالیات بر درآمد، مصرف و واردات.

مقوله تأمین اجتماعی با توان بالایی که در بحران‌سازی یا خدمات‌رسانی دارد سزاوار است به‌صورت تدبیری مجزا مطرح شود. سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک کلان سیستم بسیار اثرگذار در روند توسعه و پیشرفت یک کشور مطرح است. این سازمان دارای ارتباط اجتناب‌ناپذیری با دیگر نهادها و سازمان‌های کشوری است و تأثیرات این نظام و سیستم در مقایسه با دیگر سازمان‌ها و سیستم‌ها بر ثبات و پایداری یا عدم ثبات و پایداری یک حکومت، بسیار زیاد است. با وجود این، از یک جایگاه مدیریتی کارآمد، خلاق و متخصص برخوردار نبوده که حاصل آن وجود بحران‌ها و آسیب‌های جدی است. از این رو، آسیب‌شناسی آن باهدف ارائه راهبردها و راهکارهای عملیاتی برای خروج از وضعیت جاری موضوعی ضروری است (اسمعیلی، کاظمی مقدم، احمدی‌ثانی، حریری و رفعتی، ۱۳۹۶، ص. ۱). بعضی از این آسیب‌ها در حوزه‌های مختلف مأموریت سازمان، راهبردها و... نام برده می‌شود:

- ضعف فرآیند شناسایی فرد نیازمند.
- ضعف در تشخیص نیازهای واقعی.
- عدم توانمندسازی آسیب‌دیدگان.
- عدم مشارکت دولت در برنامه تأمین سازمان.
- ارتقای فرهنگ بیمه‌ای.

- تشمت گسترده در ارائه خدمات حمایتی و بیمه‌ای.
- فقدان چتر مدیریتی واحد بر تمام نهادها و سازمان‌های حمایتی دولتی و غیردولتی.
- عدم تحقق انسان سالم.
- عدم پرداختن به تکافل اجتماعی .

از این رو، برای دستیابی به اهداف بالا کشور نیازمند حرکت در مسیر پیشرفت پایدار با کاهش آسیب‌های تأمین اجتماعی از قبیل آسیب‌های مرتبط به مأموریت سازمان، راهبردها و... و گسترش فرهنگ تکافل عمومی در جامعه خواهد بود.

تدبیر ۲۳ سند پایه الگو به ضرورت «تحقق عدالت در ساختار قانونی نظام بانکی با ایجاد انضباط پولی، رهایی از ربای قرضی، توزیع عادلانه خلق پول بانکی و بهره‌مندسازی عادلانه آحاد مردم جامعه از خدمات پولی» اشاره دارد. این تدبیر به دلایل ذیل قابل خدشه خواهد بود.

تلقی کنونی که از بانک در میان اندیشمندان حوزه بانکداری اسلامی وجود دارد آن است که بانک غربی یک نهاد واسطه مالی یا واسطه وجوه است که پس‌اندازهای مردم را به صورت سپرده و در مقابل پرداخت بهره یا ارائه خدمات جمع می‌کند و آنها را در قالب وام و در مقابل دریافت بهره در اختیار افراد متقاضی قرار می‌دهد. در این رویکرد، آنچه با معارف اسلامی در تعارض قرار می‌گیرد، قرض ربوی است و براساس این، تمرکز مطالعات بانکداری اسلامی بر حذف ربا از ترتیبات و قواعد بانک متعارف بوده است، در حالی که با بررسی تحولات بانک و ترتیبات حاکم بر آن، می‌توان نشان داد که بانک متعارف نهاد خلق پول در اقتصاد است و تقلیل آن به یک نهاد واسطه مالی مانند سایر نهادهای مالی تصویر صحیحی از ماهیت بانک ارائه نمی‌کند. با توجه به جایگاه و نقش پول در اقتصاد و آثار خلق پول بانک‌ها در آن، برای طراحی یک نظام بانکداری اسلامی ضروری است که این تلقی از ماهیت بانک مبنای مطالعات بانکداری اسلامی قرار گیرد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵، ص. ۱). با توجه به نظریه فقه معاملات اجتماعی - به‌عنوان دانش طراحی سازوکارهای مطلوب شارع در بهره‌مندی آحاد مردم جامعه از مواهب که

متضمن فعل بایسته هریک از کنشگران اجتماعی و اقتصادی نیز می‌باشد- به توضیح علت بحران در نظام پولی و بانکی کشور پرداخته می‌شود.

بحث از ماهیت پول و مالکیت آن، پذیرش یا عدم پذیرش خلق پول بانکی (خلق پول بانک مرکزی یا خلق پول درونزای شبکه بانکی)، مالکیت پول خلق شده، چگونگی هدایت پول خلق شده، چگونگی بازطراحی رابطه دولت و بانک مرکزی یا رابطه بانک مرکزی و بانک‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌های نهاد مالکیت پول به‌شمار می‌رود، اما با نگاهی به نظام بانکی می‌توان دریافت که در طراحی نهاد بانک فقدان توجه مستمر، ساختاری و نظام‌مند، به حرمت «اکل مال به باطل» و «لزوم ارزش‌آفرینی از کار و ریسک مجاز» از یک‌سو و شناسایی «حق انحصاری خلق پول درونزای بانک‌ها» به‌عنوان مصداقی از عدم رعایت بست‌های حقوق مالکیت بایسته در عرصه حکمرانی پول و بانک می‌تواند مقدمه‌ای برای بروز یک بحران باشد (موحدی بکنظر، نعمتی و رضائی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸). به‌عبارت‌دیگر، در روابط حقوقی تعریف‌شده در بانکداری متعارف، منافع حاصل از خلق پول بانکی که مصداقی از «خلق اعتبار از هیچ» و طبیعتاً «اکل مال به باطل» است، به ملکیت عده‌ای درمی‌آید و اگر این روابط حقوقی نابایسته، چنانکه امروزه در نظام بانکی کشور در جریان است، به شکل مستمر، ساختاری و نظام‌مند جریان یابد، ممکن است در نظام بانکی کشور و در نتیجه آن در کل اقتصاد، بحران ایجاد کند. رفع مشکل ربا و به‌کارگیری عقود فقهی مانند عقود مشارکتی در فرآیندهای بانکداری متعارف بدون ربا، اساساً نمی‌تواند این مشکل را حل کند (موحدی بکنظر، نعمتی و رضائی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸).

بنابراین، برای تغییر سیستم بانکی و جلوگیری از بروز بحران در این حوزه و علاوه‌بر آن کمک برای پیشرفت، توجه به موارد زیر لازم است:

- لزوم طراحی سازوکاری بدون برخورداری از حق انحصاری خلق پول.
- در صورت قبول سازوکار متعارف بانک در خلق پول درونی، لازم است منافع حاصل از این خلق پول، به‌جای استفاده بانک، بین زیان‌کنندگان متأثر از این سیاست توزیع شود.

مجموعه تدابیر ۲۴، ۲۵ و ۲۸ (۲۴- استقلال بودجه دولت از درآمدهای حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی و انتقال این درآمدها به مردم با تأمین عدالت بین نسلی؛ ۲۵- توقف خام‌فروشی منابع طبیعی ظرف ۱۵ سال از زمان شروع اجرای الگو و جایگزینی آن با زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش‌افزوده ملی در داخل و خارج کشور؛ ۲۸- حفظ حقوق مالکیت عمومی بر منابع طبیعی و ثروت‌های ملی همراه با رعایت ملاحظات صیانتی، زیست‌محیطی و بین‌نسلی در بهره‌برداری از آنها) در حوزه بودجه کشور و نفت نیازمند تغییرات اساسی هستند.

جایگاه و مقام نسلی، به دولت منتخب (قوه مجریه) برای یک دوره کوتاه‌مدت (چهار یا پنج سال) می‌گویند. ویژگی چنین جایگاهی کوتاه‌نگری و در نظر نداشتن منابع بلندمدت در برنامه‌هاست. ماهیت دولت موقت و گذرا ایجاب می‌کند که به منافع حزبی و گروهی بیشتر توجه شود و انتظار پیگیری برنامه‌هایی که به رفاه بین نسلی و بلندمدت اقتصاد مربوط می‌شود، انتظار نایجابی باشد. همچنین با توجه به دوره زودگذر دولت‌ها، اگر دولتی قصد داشته باشد برنامه‌های بلندمدتی پیشنهادی کند، ضمانتی برای تداوم آن برنامه در دولت‌های بعدی وجود ندارد. هرچند در سال‌های اخیر با وجود تحریم‌های ظالمانه اقتصادی که صنعت نفت کشور و درآمدهای آن را نشانه گرفته‌اند، ضرورت استقلال بودجه دولت از این منابع را دوچندان کرده است (نعمتی، ۱۳۸۷، ص. ۳).

انتساب به جایگاه و مقام بین نسلی در حالی صورت می‌گیرد که این جایگاه بتواند اهداف و سیاست‌های بلندمدت نظام اقتصادی را طرح و پی‌گیری کند. ویژگی مهم این جایگاه تغییر نیافتن در کوتاه‌مدت و در نتیجه نداشتن بی‌ثباتی‌های ناشی از آن است. می‌توان نهاد رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و تا حدودی بانک مرکزی (در صورت استقلال از دولت) را از جمله جایگاه‌های بین نسلی در کشور دانست. حال این پرسش مطرح می‌شود که وظیفه سیاست‌گذاری و تعیین بسته‌های مالکیت در حوزه منابع طبیعی در اختیار کدام جایگاه می‌تواند باشد یا باید باشد؟ (نعمتی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴).

بعد از به رسمیت شناختن مقام سیاست‌گذار بین نسلی حوزه انفال و منابع طبیعی، نوبت به مشخص کردن وظیفه این مقام در حوزه انفال و منابع طبیعی می‌رسد. مهم‌ترین

وظیفه این نهاد دستیابی به قانون، ترتیبات و قواعد بهره‌برداری، مدیریت و مصرف عواید حاصل از این منابع است.

از این رو، پرسش‌هایی که در تشریح سه حق تولید (بهره‌برداری)، مدیریت (دسترسی) و حق مصرف (بهره‌مندی) منابع طبیعی و انفال مطرح می‌شود در ادامه بیان شده است:
حق تولید (بهره‌برداری):

- مالک نفت کیست؟
- نحوه اعمال حق مالکانه نفت برای برداشت نفت چگونه است؟
- میزان بهینه استخراج نفت چقدر است؟

حق مدیریت (دسترسی):

- نحوه استفاده درست از نفت استخراج شده چیست؟
- منطق قیمت‌گذاری نفت و حامل‌های انرژی در داخل کشور چه باید باشد؟
- نحوه کمک به شرکت‌های داخلی و ارتقای زنجیره داخلی نفت چیست؟

حق مصرف (بهره‌مندی):

- منابع حاصل از فروش نفت در داخل را چه کنیم؟

بنابراین، هنگامی که صحبت از انفال یا اقتصاد منابع طبیعی یا اقتصاد نفت و گاز می‌شود، به نوعی به تعریف و تحدید بسته‌ای از حقوق (شامل حق خلق، برداشت، مدیریت، بهره‌مندی و...) پرداخته می‌شود که نظریه‌پردازان برای توجیه نظریه یا نظریات خود به استدلال و قواعد مختلف تمسک می‌جویند. بحث اقتصاد انفال بدون پرداختن به این حقوق که همان قواعد یا سازوکارهای بهره‌مندی جامعه از نعمت منابع خدادادی هست و نمی‌تواند معنایی در دوره تشکیل حکومت اسلامی داشته باشد (موحدی بکنظر، نعمتی و رضائی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳).

در راستای حق مصرف (بهره‌مندی) رویکرد توزیع مستقیم یکی از راهکارهای مورد توجه اقتصاددانان در دهه اخیر بوده است. این رویکرد با دارا بودن اثر تخصیصی و اثر اطلاعاتی سبب افزایش فشارهای اجتماعی بر عملکرد دولت و شفافیت اقتصادی می‌شود (بهبودی، متفکر آزاد، محمدزاده، صادقی و ممی‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۹) و در نتیجه آن، فساد و هدر رفت منابع را در اقتصاد کاهش می‌دهد و به عدالت اقتصادی میان آحاد

جامعه و مناطق مختلف کشور منجر می‌شود. حقوق مدیریت و دسترسی به صورتی تعریف می‌شود تا با در اختیار قرار گرفتن این حقوق برای کل مناطق کشور در قالب تکمیل زنجیره ارزش نفت و ایجاد پالایشگاه و بنگاه‌های تولیدی ارزش افزوده بالا، بهره‌مندی عادلانه جامعه از منابع طبیعی محقق شود. همچنین در راستای تحقق این موضوع علاوه بر جلوگیری از خام‌فروشی، با رعایت اصل پراکنده‌سازی مانع آسیب‌پذیری کشور در برابر تهدیدهای خارجی در این عرصه مهم می‌شود. بنابراین، در راستای تحقق مطالب بیان‌شده در حوزه تدابیر نفتی کشور، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- به رسمیت شناختن مقام سیاست‌گذار حوزه انفال و منابع طبیعی و استقلال آن از نهادهای دولتی.
 - اولویت توسعه میادین مشترک نفت و گاز و برخورداری عموم مناطق و استان‌های مختلف کشور از نفت خام به‌عنوان ماده اولیه پالایش.
 - توقف خام‌فروشی در حداقل زمان ممکن و تشکیل زنجیره ارزش صنعت نفت.
 - توزیع عادلانه درآمدهای نفتی میان آحاد مختلف جامعه.
 - استقلال بودجه دولت از منابع نفتی و تأمین مالی بودجه دولت برای هر نسل، از منابع موجود همان نسل.
 - مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز.
- یادآوری می‌شود، اثرگذاری تدبیر ۲۶ (مصون‌سازی و تقویت فرآیندها، سیاست‌ها، تصمیمات و نهادهای اقتصادی در مقابل تکانه‌های سیاسی - اقتصادی هدفمند و غیر هدفمند برونزا) سند پایه الگو در اقتصاد کشور با اجرای تدابیر پیشنهادی حوزه منابع طبیعی محقق می‌شود و به‌عبارت‌دیگر، با تعیین متولی مستقل انفال و توزیع عادلانه درآمدهای نفتی میان آحاد جامعه، بودجه دولت از این درآمدها مستقل می‌شود و نه تنها تحریم‌های خارجی بر اقتصاد کشور اثر نمی‌گذارند، بلکه با دسترسی مردم به عواید این درآمدها مانع افزایش اختلاف طبقاتی و توسعه نامتوازن مناطق مختلف کشور خواهد شد. هم‌زمان با واگذاری حق دسترسی نفت به استان‌های مختلف، اصول پراکنده‌سازی

تأسیسات مهم نفتی و پالایشگاهی کشور رعایت می‌شود و در صورت بروز مشکل در تعدادی از تأسیسات و پالایشگاه نفتی، کشور دچار بحران نخواهد شد.

تدابیر ۲۷ و ۲۹ حوزه آب و انرژی (۲۷- توسعه فعالیت‌های زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی و مصرف آب، انرژی و سایر منابع حیاتی متناسب با ظرفیت، حقوق و اخلاق زیستی، ۲۹- کاهش شدت مصرف انرژی و متناسب‌سازی سهم تولید و مصرف انرژی از منابع انرژی پاک) نیز نیازمند تغییر و تحول است.

طی ده‌های اخیر از انرژی به‌عنوان یکی از عوامل مهم تولید یاد شده است، به‌طوری‌که در کنار سایر عوامل تولید نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات اقتصادی کشورها داشته و با توسعه و پیشرفت اقتصادی اهمیت آن به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است (بهبودی، جبرائیلی و محمدزاده، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). از آنجا که مصرف انرژی دارای نقش حیاتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی است، تولید و مصرف انرژی به‌طور گسترده با جنبه اقتصاد توسعه پایدار و رشد اقتصادی مرتبط است.

انرژی الکتریکی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های انرژی کشور ضمن داشتن نقش مؤثر در تولید و مصرف، اهمیت ویژه‌ای در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی داشته است (یاوری و احمدزاده، ۱۳۸۹، ص. ۳). با توجه به نقش انرژی برق در ثبات و امنیت سیاسی و اقتصادی کشور، سیاست‌های اقتصادی بیشتر بر مبنای دسترسی آسان به انرژی در قیمت‌های بسیار پایین بنا شده که مانع تفهیم اهمیت اقتصادی انرژی‌های الکتریکی به مصرف‌کنندگان از طریق قیمت شده و موجب ازدیاد مصرف و هدررفت آن در همه بخش‌ها از جمله بخش صنعتی شده است (محمدی و محمودی، ۱۳۹۷، ص. ۳). تحقق کامل هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها سبب خواهد شد این مشکل رفع شود و روند افزایش هدر رفت انرژی در کشور کاهش یابد.

منابع آب کشور و ارتباط آن با محیط‌زیست از چالش‌های مهم بوده و کمبود آن در دهه‌های اخیر موجب پیامدهای گسترده مانند خشک شدن تالاب‌ها، کاهش روان‌آب رودخانه‌ها، خشک شدن قسمت اعظم دریاچه ارومیه، بروز ریزگردها و گستردگی آن در ایران شده است (مکنون، ۱۳۹۷، ص. ۱).

با توجه به هدف‌گذاری‌های صورت گرفته در برنامه‌های توسعه‌ای بخش آب مبنی بر تأمین کمبود بخشی از آب موردنیاز در بخش‌های شرب و صنعت با استفاده از نمک‌زدایی آب‌های شور و با توجه به نیاز به انرژی این واحدها باید توسعه بخش عرضه انرژی نیز به‌گونه‌ای صورت گیرد که بتواند پاسخگوی این نیاز جدید انرژی باشد. به عبارتی، سیاست‌های بلندمدت رفع کمبود آب و تأمین تقاضای انرژی باید به‌گونه‌ای باشد که هر دو بخش به شکلی سازگار توسعه یابند. تولید انرژی فقط مصرف‌کننده آب نیست، بلکه در آلودگی آن نیز نقش دارد مانند آب تولیدشده در فرآیند استخراج نفت که به دلیل آلودگی زیاد نمی‌تواند بدون تصفیه کافی رها شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت، ایجاد امنیت آب و انرژی، برطرف کردن نگرانی‌های زیست‌محیطی، ارزیابی فناوری‌های نمک‌زدایی از آب و بررسی اثرات به‌کارگیری این فناوری‌ها بر توسعه بهینه بخش برق از جمله مهم‌ترین مسائلی است که باید در تدوین توسعه بهینه بخش انرژی و آب مدنظر قرار گیرند (آریان‌پور، محجوبی و گلزاری، ۱۳۹۶، ص. ۵).

تعادل بخشی و حفاظت کیفی آب‌های زیرزمینی از طریق اجرای عملیات آبخیزداری، آبخوانداری، مدیریت عوامل کاهش بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی و تبخیر و کنترل ورود آلاینده‌ها.

از این رو با توجه به مطالب بیان‌شده، موارد زیر در حوزه آب و انرژی برای جایگزینی با تدابیر سند پایه الگو پیشنهاد می‌شود:

- افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک‌مقیاس.
- گسترش اقتصاد سبز با تأکید بر اصلاح الگوی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و بهینه‌سازی الگوی مصرف آب، منابع، غذا، مواد و انرژی و استفاده از انرژی‌های پاک.
- تعادل بخشی و حفاظت کیفی آب‌های زیرزمینی.

توسعه نامتوازن منطقه‌ای از جمله مشکلاتی است که در بیشتر کشورهای جهان که به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی وابسته هستند، وجود دارد. بدین ترتیب، ایران نیز با همین مشکل دست‌به‌گریبان است و عدم توازن‌هایی در استان‌های مختلف به چشم می‌خورد.

متأسفانه تدبیر ۳۰ سند پایه الگو (بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنه سرزمین برمبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری در اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف و توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادهای سرزمینی) راه برون‌رفت از این مشکل را بیان نمی‌کند. ساختار اقتصاد وابسته به نفت ایران، روند حرکتی اقتصاد را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار داده که حرکت آن به شدت به درآمدهای حاصل از نفت وابسته شده است. عدم توازن‌های منطقه‌ای را می‌توان یکی از آثار همین وابستگی به درآمدهای نفتی به‌شمار آورد، به گونه‌ای که معمولاً مناطق مختلف یک کشور، متناسب با رانت‌هایی که در اختیار داشته‌اند توانسته‌اند از ثروت‌های به‌دست‌آمده از این رهگذر بهره‌برند و رشد کنند (نعمتی، کیایی و انیسی آرانی، ۱۳۹۷، ص. ۲).

در نظام اقتصادی اختلاف‌هایی که براساس تفاوت مناطق رخ دهد مذموم نیست. باین‌حال، دخالت‌های دولتی و اختلاف‌های ناشی از سیاست‌های آن عاملی بیرونی به‌شمار می‌آید که نتیجه آن تبعیض است. در دهه‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌ها، احداث بنگاه‌ها و زیرساخت‌ها توسط دولت به مدد دلارهای نفتی و درآمدهای ناشی از فروش ثروت‌های عمومی به شکلی نابرابر، سیمای امروز عدم توازن‌ها را در کشور آفریده است. با توجه به این نکته، راهکارهایی برای توسعه متوازن مناطق مختلف کشور ارائه می‌شود:

- شناسایی وضعیت کنونی هر منطقه برای درک مقصد و مبدأ در فرآیند نیل از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و مطالعه شیوه‌های بهره‌برداری دیگر کشورها برای غلبه بر مشکلات ناشی از عدم توازن منطقه‌ای ناشی از تخصیص درآمدهای حاصل از ثروت‌های طبیعی به‌منظور نیل به رشد همه‌جانبه و متوازن موردنظر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و پرهیز از آزمون‌وخطا در برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- برنامه‌ریزی منسجم برای بالفعل کردن ویژگی‌های هر منطقه با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص هر منطقه در چهارچوب الگویی کلی برای غلبه بر آثار عدم توازن‌های منطقه‌ای و تکیه بر ظرفیت‌های بومی و درونی.
- طراحی و اولویت‌گذاری سیاست‌های توازن منطقه‌ای توزیع درآمدهای منابع طبیعی.

- کاهش تصدی گری دولتی بر منابع درآمدی نفت و برنامه ریزی برای توانمندسازی آموزش، بهداشت و رفع بیکاری، از مهم ترین و کارآمدترین حوزه هایی است که برای رفع تبعیض های بین منطقه ای، رشد ظرفیت تولید، ظرفیت منابع و ظرفیت انسانی به عنوان راهکارهای تخصیص بودجه نفت در مناطق بدون بهره مندی های غیرعادلانه صورت می پذیرد.
 - بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه ای در پهنه سرزمین با استفاده هدفمند از درآمد عمومی، توزیع عادلانه امکانات آموزشی، علمی و فناوری، برقراری نظام ملی آمایش سرزمین به منظور شناسایی و به کارگیری استعدادها، قابلیت ها و مزیت های مناطق و استان ها و کاهش عدم تعادل ها.
- از این رو، پیشنهاد می شود برای تحقق موارد بالا از بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه ای در پهنه سرزمین بر مبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه گذاری در بخش های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف و توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادهای سرزمینی استفاده شود.
- تحقق امنیت غذایی از وظایف دولت ها و از ارکان حفظ و ارتقای امنیت ملی است. تدبیر ۳۵ (تأمین امنیت و ایمنی غذا و ترویج تغذیه سالم و ارتقای سازوکارهای نظارت بر تولید و توزیع مواد غذایی و مصرفی) بیان کننده این موضوع است، اما برای تحقق آن ابعاد دقیق مسئله تأمین امنیت غذایی را مطرح نمی کند. به بیان دیگر، ارتباط امنیت غذایی و امنیت ملی ارتباطی دوسویه در مسیر پیشرفت کشور است. بنابر تعریف نشست جهانی غذا (WFS) در سال ۱۹۹۶ میلادی امنیت غذایی هنگامی وجود دارد که همه مردم همواره به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس نیازهای رژیم تغذیه ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد.^۱
- سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد چهار بعد اصلی امنیت غذایی را این گونه بیان می کند:

1. <http://www.fao.org/es/esa/>.

۱. مهیا بودن مواد غذایی: در دسترس بودن مقدار کافی مواد غذایی باکیفیت مناسب، عرضه شده از طریق تولید داخلی یا واردات.
۲. دسترسی به مواد غذایی: دسترسی افراد به منابع و حقوق کافی برای تهیه غذای مناسب برای داشتن یک رژیم غذایی مغذی.
۳. بهره‌وری: بهره‌برداری از مواد غذایی از طریق رژیم غذایی مناسب، آب سالم و مراقبت‌های بهداشتی برای رسیدن به سطح تغذیه‌ای ایده‌آل
۴. ثبات: برای اینکه یک جمعیت، خانواده یا فرد دارای امنیت غذایی باشد، باید همواره به غذای کافی دسترسی داشته باشد.

از این رو، برای تحقق چهار بعد اصلی امنیت غذایی، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

سیاست‌های دولت باید در راستای ترغیب به نوین‌سازی کشاورزی با تأکید ویژه بر مزارع کوچک، فراهم کردن خدمات اساسی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و اعتبارات زراعی، اشتغال‌زایی، ثبات قیمت‌ها، اعطای یارانه به صورت مواد غذایی، توسعه فروشگاه‌ها و بازارهای کشاورزی عرضه‌کننده انواع غذاهای ارزان، تازه، سالم و ارگانیک (در نقاط متمرکز) و مهیاکردن وسایل حمل‌ونقل یا یارانه برای حمل‌ونقل (در نقاط پراکنده) باشد (اکبرپور، مهدوی دامغانی و ویسی، ۱۳۹۷، ص. ۵). همچنین تأمین کالاهای اساسی در حوزه کشاورزی با شناسایی ظرفیت‌های تولیدی کشور از طریق تعیین مزیت‌های مناطق مختلف در تولید کالاهای اساسی صورت پذیرد و با وضع سیاست‌های حمایتی و تشویقی برای سرمایه‌گذاران این حوزه، زمینه را برای آنها فراهم کنند.

در زمینه کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از ناحیه کالاهای اساسی نیز نیازمند وجود برنامه خواهیم بود. کالای اساسی، کالایی است که «در سبد مصرفی غالب خانوارهای ایرانی وجود دارد و جزء لاینفک زندگی مردم شده است و هر شخص روزانه مقدار مشخصی از آن را نیاز دارد و کمبود آن و عدم تولید آن در داخل باعث به وجود آمدن اختلال در شرایط اقتصادی و امنیت غذایی کشور می‌شود» (قاسمی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸).

موارد و شاخص‌هایی که برای بررسی آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از بخش کالاهای اساسی در ادامه مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: میزان وابستگی به واردات، میزان تنوع و اطمینان مبادی وارداتی و امنیت غذایی.

شاخص اول امنیت غذایی است که توضیح این قسمت در موارد بالا بیان شد. شاخص دوم میزان وابستگی به واردات کالاهای اساسی است، زیرا همان‌طور که اشاره شد، یکی از شاخص‌های مهم برای آسیب‌پذیری میزان وابستگی به واردات است. اگر وابستگی زیادی به واردات کالاهای اساسی در کشور وجود داشته باشد این، بدان معناست که کشور از این ناحیه آسیب‌پذیر هست (قاسمی، ۱۳۹۵، ص. ۳۶).

شاخص بعد بررسی مبادی تأمین کالاهای اساسی است. بدین معنا که اگر کشور نیاز به واردات کالاهای اساسی دارد، آیا تنوع مبادی وارداتی وجود دارد یا از مبادی محدودی این نیاز برطرف می‌شود؟ همچنین کشورهایی که از آنها واردات این محصولات صورت می‌گیرد تا چه حد قابل‌اعتماد هستند و آیا کشورهای اسلامی در بین آنها وجود دارند؟ در صورتی که مبادی تأمین کالاهای اساسی محدود به چند کشور خاص باشد و این مبادی نامطمئن باشند، یعنی از کشورهایی واردات انجام گیرد که به تعهدات خود پایبند نیستند و به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، ممکن است روابط خود را با کشور قطع کنند یا کشور را مورد تحریم قرار دهند، این باعث وارد آمدن آسیب به نسبت بیشتری به کشور خواهد شد. تفاوت این شاخص با شاخص اول این است که در شاخص اول تنها وابستگی به واردات مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت وابستگی به واردات اثبات می‌شود که آسیب‌پذیری وجود دارد. این شاخص یک گام جلوتر می‌رود و می‌گوید با فرض وجود وابستگی به واردات که خود یک آسیب به‌شمار می‌آید، آیا مبادی تأمین متنوع هستند تا در نتیجه تحریم یکی از مبادی، از مبادی دیگری واردات صورت گیرد و خطر کمتری کشور را تهدید کند، یعنی اگر اثبات شود که تنوع مبادی وارداتی وجود ندارد، و از سویی، مبداهای وارداتی همگی کشورهای بیگانه هستند، این خطر وارد آمدن آسیب به کشور را تشدید می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۵، ص. ۳۶).

بنابراین، برای کاهش سطح وابستگی اقتصاد کشور در کالاهای اساسی ضرورت افزایش خودکفایی کشور در تولید این کالاها احساس می‌شود. علاوه بر آن، برای کاهش آسیب‌پذیری کشور باید به تنوع مبادی وارداتی مطمئن کالاهای اساسی و میزان وابستگی به واردات این کالاها نیز توجه کافی کرد.

برای تدابیر حوزه امنیت غذایی می‌توان از تدابیر جایگزین زیر کمک گرفت:

- تأمین امنیت و ایمنی غذا با ترغیب به نوین سازی کشاورزی.
 - تأمین کالاهای اساسی در حوزه کشاورزی با شناسایی ظرفیت های تولیدی کشور.
 - ایجاد تنوع مبادی وارداتی مطمئن در کالاهای اساسی.
- پس از ارائه تدابیر پیشنهادی به بیان تعاریف رویکردهای اصلی موجود در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی - که بیشتر بدان اشاره شد - پرداخته می شود و سپس، رابطه تدابیر پیشنهادی با رویکردهای اصلی یا مؤلفه های مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی برای اقتصاد کشور، در قالب جدول آورده شده است.

۴. تعاریف رویکردهای اصلی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

۴-۱. انعطاف پذیری

انعطاف پذیری اقتصادی می تواند در دو معنا مورد استفاده قرار گیرد، به ترتیب مربوط به توانایی اقتصاد برای الف) جذب اثر شوک های اقتصادی خارجی؛ ب) بی اثر کردن اثرات زیان بار چنین شوک هایی. توانایی یک اقتصاد برای جذب شوک های خارجی که همراه با انعطاف پذیری است، این اقتصاد را به بهبود سریع تر خود بعد از وارد آمدن اثرات مخرب شوک ها قادر می سازد (Briguglio & Lino, 2004).

۴-۲. مولدیت

مولدیت را با بهره وری هم عرض می دانند. منظور از بهره وری، کارایی یک انتخاب جمعی در کنار کارآمدی (اثربخشی) آن است. به عبارت بهتر، بهره وری شاخصی است که از تجمیع دو شاخص دیگر حاصل می شود و براساس این، بهترین روش برای تبیین بهره وری تبیین دو شاخص یاد شده است (Lockwood, 2008, pp. 292-295).

۴-۳. پیشرو بودن

پیشرو در لغت به معنای پیشتاز، پیش قدم و مقدم آمده است (خداپرستی، ۱۳۷۶، مدخل پ). در زبان انگلیسی نیز پیشرو بودن به همین معناست^۱. سلیمانی و حسین زاده (سلیمانی و حسین زاده یزدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳) در پژوهش خود تحت عنوان تبیین رویکردها و مؤلفه های سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی بیان می کنند: «مفهوم پیشرو بودن در اقتصاد

۱. ر. ک به: دیکشنری merrian Webster

را می‌توان در دهه ۱۹۳۰ و در خلال بحث‌های اقتصاددانان کانادایی جست‌وجو کرد. کلیدواژه Pioneer Economy در اقتصاد در مطالعات اقتصاددانان کانادایی به چشم می‌خورد. با این حال، دابلیو.آ. مکینتوش اقتصاددان کانادایی در این باره می‌گوید: اقتصاد پیشرو یا نابالغ چیست؟ این مفهوم، مفهومی نیست که به لحاظ تاریخی بحث جدیدی به‌شمار آید، بدون پیشینه نبوده و همچنین غیرتوسعه یافته نیست (Mackintosh, 1936). همچنین بعضی از اقتصاددانان داخلی از جمله پیغامی، پیشرو بودن از دیگران را معمولاً با ایده نوآوری، داشتن ایده‌های جدید و خلاقیت معنا کرده‌اند. پیشرو بودن در خلق فرصت‌های مولدیت، تبدیل به نوآوری می‌شود. کالای جدیدی تولید یا بازار جدیدی درست می‌شود. این نوعی پیشرو بودن و مولد بودن است (پیغامی، ۱۳۹۳، ص. ۵۹).

۴-۴. برون‌گرا بودن

فعالیت‌های برون‌گرا^۱ به فعالیت‌های کسب‌وکار و تجارت افراد و سازمان‌ها که از مرزهای ملی خارج می‌شود و به کشورهای دیگر وارد می‌شود برمی‌گردد. برون‌گرایی، بهره‌برداری از مزیت‌های رقابتی و مزیت نسبی کشورها و گسترش کسب‌وکار به بازارهای جدید بین‌المللی و خارج از مرزهاست. برای استفاده از این مزیت هر دو محیط داخلی سالم و محیط خارج باید آماده پذیرش محصولات کشور صادرکننده باشند.

۴-۵. درون‌زا بودن

اقتصاد درون‌زا دارای ویژگی‌هایی مفهومی است که عبارت‌اند از:

الف- عدم تساوی درون‌زایی با درون‌گرایی.

ب- اعتماد به نفس ملی.

ج- ورود به عرصه‌های جدید و بی‌رقیب.

د- استفاده از تمام ظرفیت‌های ارزش‌آفرین.

۴-۶. فرصت‌ساز بودن

فرصت‌های اقتصادی یکی از حقوق بنیادین زندگی، آزادی و رضایت‌مندی به‌شمار می‌آید؛ خصوصاً این راهکارها برای سطوح ضعیف اقتصادی جامعه معنادار است.

۴-۷. جهادی بودن

مؤلفه‌های رویکرد جهادی از منظر گزاره‌های دینی عبارت‌اند از:

- ۱- توجه به معنویت (اخلاص).
- ۲- طراحی نقشه راهبردی (بصیرت).
- ۳- پایداری و استقامت در کار.
- ۴- مردمی‌محوری.
- ۵- دیده‌بانی و رصد دقیق منابع و موانع حرکت کشور و دشمن خارجی.

۴-۸. مردمی بودن

۴-۹. دانش‌بنیان بودن

بانک جهانی دوره جدید را اقتصاد مبتنی بر دانش نامیده است و آن را دارای ۴ محور می‌داند:

- الف- سیستم نهادی و اقتصادی که مشوق استفاده مؤثر از دانش و رشد کارآفرینی است.
- ب- جمعیت دانش‌آموخته، خلاق و ماهر.
- ج- زیرساخت اطلاعاتی و ارتباطی به‌خوبی توسعه‌یافته.
- د- یک نظام ملی نوآوری مؤثر که رابطه دینامیکی با جهان علم و فناوری و جهان کسب‌وکار داشته باشد.

۴-۱۰. عدالت‌بنیان بودن

برای بررسی موضوع عدالت ابتدا باید تعریف درست و جامعی از عدالت، به‌ویژه در حوزه اقتصادی داشت. برای تعیین شاخص عدالت ابتدا باید عدالت اقتصادی را تعریف و سپس، برای بررسی آن شاخص‌هایی را شناسایی کرد. شاخص ضریب جینی که نوع توزیع درآمد را مشخص می‌کند، می‌تواند یکی از راه‌های تعیین معیارهای عدالت در جامعه باشد.

حال به بررسی و تحلیل روابط تدابیر پیشنهادی جایگزین تدابیر سند پایه الگو، با رویکردهای اصلی حاکم بر سیاست‌های اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی در قالب جدول زیر می‌پردازیم.

جدول (۱): روابط تدابیر پیشنهادی جایگزین تدابیر سند پایه الگو

شماره تدابیر	موضوع تدابیر/تدابیر	مردمی	درونزا	برونگرا	پیشرو	مولد	فرصت‌ساز	عدالت‌بنیان	دانش‌بنیان	انعطاف‌پذیر	مدیریت جهادی
۱	نظام مالیاتی	**	**		**			**		**	**
۲	نظام بانکی					**		**			**
۳	حکمرانی منابع طبیعی	**	**	**	**	**		**	**		**
۴	آب و انرژی	**	**		**		**		**		**
۵	آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای					**		**			**
۶	امنیت غذایی	**	**	**	**	**	**		**	**	**

منبع: یافته‌های تحقیق

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر سعی شد ضمن بیان عمده‌ترین نقدهای کارشناسی ناظر به تدابیر اقتصادی سند پایه الگو، هریک از این تدابیر را از منظر پدافند اقتصادی موردبررسی و واکاوی قرارداد. ضمن تقسیم تدابیر اقتصادی سند پایه الگو به موضوعات و حوزه‌های اقتصادی، تلاش شد مجموعه تدابیری پیشنهاد شود تا ضمن دستیابی به حکمرانی خوب اقتصادی از بروز بحران‌های داخلی در حوزه‌های مختلف داخلی اعم از پولی و بانکی کشور تا خام‌فروشی نفت، جلوگیری به عمل آید و زمینه‌های ضربه‌پذیری از تهدیدهای خارجی از قبیل تحریم‌های اقتصادی از بین برود. در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی به موضوع بیان‌شده پرداخته شد و درنهایت، با تطبیق تدابیر پیشنهادی جدید با مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از جمله مردمی بودن، درونزا بودن و... به نتیجه قابل قبولی در حاکم بودن این اصول بر تدابیر پیشنهادی پی برده شد.

از این رو، پیشنهاد می‌شود در راستای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی و مصونیت‌بخشی به اقتصاد کشور، به مجموعه تدابیر پیشنهادی ذیل عناوین نظام بانکی، نظام مالیاتی، حکمرانی منابع طبیعی، آب و انرژی، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای و امنیت غذایی که در قالب مفهوم تدبیر که در بردارنده پیشنهادهای سیاستی است، توجه ویژه شود.

کتابنامه

اسماعیلی، مجید؛ بهرام؛ کاظمی مقدم؛ سعید، احمدی‌ثانی؛ رضا، حریری؛ و سیدحسین، رفعتی (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی و نیازسنجی مدل تأمین اجتماعی ایران در راستای بهینه‌سازی فرآیند». ششمین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت؛ تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت.

اکبریور، مریم؛ عبدالمجید، مهدوی دامغانی؛ و هادی، ویسی (۱۳۹۷). «ارتباط امنیت غذایی و امنیت ملی در مسیر پیشرفت کشور»، هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی- ایرانی.

اکبری افروزی، رقیه؛ و اسماعیلی خوشمردان، علی (۱۳۹۷). «شناسایی مؤدیان جدید مالیاتی و گسترش چتر مالیاتی از ضروریات اقتصادی تهیه الگوی تفصیلی پیشرفت»، هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی- ایرانی.

ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۶). «تحلیل نقش نظام مطلوب مالیاتی در تحقق عدالت اجتماعی در ایران: با تأکید بر ساختار مالیات‌ها»، ششمین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت؛ تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت.

آریان‌پور، وحید؛ عماد، محجوبی؛ و ابوعلی، گلزاری (۱۳۹۶). «برنامه‌ریزی یکپارچه بخش‌های آب و انرژی برای دستیابی به توسعه پایدار در ایران». ششمین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت.

بهبودی، داود؛ محمدزاده؛ پرویز؛ و جبرائیلی، سودا (۱۳۸۸). «بررسی رابطه مصرف انرژی و تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۶(۲۳)، ۳۲-۵۷.

- بهبودی، داود؛ متفکر آزاد، محمدعلی؛ محمدزاده، پرویز؛ صادقی، سیدکمال؛ و ممی‌پور، سیاب (۱۳۹۱). صندوق توسعه ملی یا توزیع مستقیم درآمدهای نفتی (بررسی مقایسه‌ای). فصلنامه مجلس و راهبرد، ۱۹(۷۱)، ۳۹-۸۴.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۸(۱۶)، ۱۷۳-۱۹۸.
- شاداب‌فر، الهام؛ و بهرخ، شاداب‌فر (۱۳۹۶). «بررسی اثرات شفافیت در اقتصاد کشور»، ششمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت.
- محمدی، حسین؛ و مهدی محمودی (۱۳۹۷). «بررسی عوامل منتخب مؤثر بر مصرف انرژی‌های فسیلی با تأکید بر مصرف برق»، هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- مکنون، رضا (۱۳۹۷). «راهبردهای آب برای حفظ محیط‌زیست و توسعه ایران». هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- بکنظر، مهدی؛ محمد، نعمتی؛ و محمدجواد، رضائی (۱۳۹۷)، «فقه تعاملات اجتماعی یا نگاهی نو به روش، هدف و گستره موضوعی اقتصاد اسلامی در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- نعمتی، محمد (۱۳۸۷)، «تغییر ساختار مدیریت بخش نفت؛ الزام مهم در تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴»، فصلنامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۵(۶۰)، ۷۹-۱۱۸.
- نعمتی، محمد؛ حسن، کیایی؛ و محمدرضا، انیسی آرنی (۱۳۹۷). «اثر توزیع درآمدهای نفتی بر عدم توازن‌های منطقه‌ای در استان‌های منتخب و ارائه راهکارهایی برای اصلاح آن در چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی.
- یاوری، کاظم؛ و خالد، احمدزاده (۱۳۸۹). «بررسی رابطه مصرف انرژی و ساختار جمعیت (مطالعه موردی کشورهای آسیای غربی)»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۷(۲۵)، ۱۶۷-۱۹۰.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۳)، درس گفتارهای اقتصادی مقاومتی (چاپ اول). تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

- FAO. (2006) Agricultural and Development Economics Division: EC-FAO Food Security Programme.
- Mackintosh, W. (1936) Some Aspects of a Pioneer Economy. The Canadian Journal of Economics and Political Science. 457-463.

